

انتخاب «راه اعتدال»

در واقع مردم با انتخابشان نشان دادند فریب فریبکاری را نمی‌خورند و نمی‌خواهند در بر روی باشنه‌ای بچرخد که بیش‌ترها می‌چرخیده. در همین مسیر هم به موفقیت‌های ورزشی زیادی دست یافتیم و بانوان ورزشکاران درخشیدند و قهرمانی‌های متعدد را نصیب خودشان کردند و برای ایران اسلامی با برافراشته‌شدن پرچم کشور عزیزمان افتخار آفریدند.آرای مردم در صندوق‌ها نشان داد ملت ایران جنگ‌پرور نبوده و خواهان صلح و آرامش است، اما همچنان برای دفاع از کِیان و ارزش‌های خود تا آخر ایستاده است و اجازه هیچ‌گونه تعدی به ارزش‌های اعتقادی و خاک‌کشورش را نمی‌دهد. حماسه چشمگیر مردم قهرمان نشان داد مردم ما برجام را به عنوان سند موفق نظام جمهوری اسلامی پذیرفته و مصمم به ادامه مسیر هستند و می‌خواهند که سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در کنار برنامه ششم توسعه به مقصد برسد و کشور با برنامه اداره شود و نه براساس شعار-به‌رحال تا سال ۱۴۰۰ افق‌های روشن پیش‌رو روزبه‌روز پررنگ‌تر خواهد شد و درخشش جوانان ما کامل‌تر می‌شود تا روحیه شادی و نشاط به طور ریشه‌ای در بین آنها نهادهین شود و نص‌العین مسئولان و جوانان قرار گیرد.

الزامات ورود نهادهای دینی به انتخابات

(الف) شنیدن سخنان مختلف؛ اگر در انتخاباتی که گذشت جامعه مدرسین با مراجعی که در این امور نوعاً ورود پیدا می‌کند و با اشاراتی گاه روشن جریان‌ی خاصی یا فردی خاص را مورد حمایت قرار می‌دهند، از نامزدهای محترم می‌خواستند تا ضمن دیداری حضوری، برنامه‌های خویش را ارائه دهند، ضرب‌پذیرش رای ایشان در افکار عمومی بالاتر نمی‌رفت؟ (ب) به‌رسمیت شناختن همه صداهای موجود؛ نکته دوم که بسیار مهم است، رسمیت‌بخشی به همه صداهای موجود در عرصه سیاست است. نهاد روحانیت و مرجعیت نباید با همراهی با یک صدا و جریان سیاسی، دیگر جریان‌ات را غیراصلی و انحرافی جلوه دهد.

(ج) نهادینه‌کردن تقدم اخلاق بر حرکت‌های سیاسی؛ انتظار دیگر این است که نهاد حوزه و مرجعیت تلاش کنند «تقدم اخلاق» بر همه‌چیز را به‌عنوان یک اصل زین و بدیهی به جامعه از یک‌سو و همراهان و هواداران خویش از سوی دیگر در هرگونه حضور اجتماعی و فعالیت سیاسی اعلام و اثبات کنند، به بیان دیگر انتظار این است که نهاد حوزه و مرجعیت اخلاقی‌گرایی را خط قرمز مقلدان و همراهان خویش قرار دهد و اگر فردی با جریان‌ی – هرچند در قالب دفاع از نهاد دین و مرجعیت – از مرز اخلاقی‌گرایی خارج شد، طرد شود و از ایشان برائت جسته شود. این وفاداری به اخلاق‌گرایی و رعایت موازین اخلاقی است که می‌تواند حتی خطاهای مصداقی نهاد روحانیت را توجیه کند.

۲. پذیرش پیام‌های رفتارهای سیاسی

نکته بعدی که نهاد روحانیت و مرجعیت باید تن به آن دهد، پذیرش پیام‌های رفتارهای سیاسی است. رفتارها و حرکت‌های سیاسیِ لوازم و پیام‌هایی دارند که برخی قابل مدیریت و برخی هم غیرقابل مدیریت‌اند که تنها در ادامه به دو مورد از مهم‌ترین پیام‌های پذیرش ورود در عرصه سیاست می‌پردازم. (الف) تقدس‌زدایی و عرفی‌نگری؛ یکی از پیامدهای ورود در سپهر سیاست، تن‌دادن به زمینی‌بودن تصمیمات و رهاوردهای انسان‌ها و نهادهای دینی و اجتماعی است. نمی‌توان در رقابت‌های زمینی و این‌جهانی همچون رقابت‌های سیاسی یا اقتصادی ... وارد شد، اما تصمیمات و رهاوردهای خویش را آسمانی جلوه داد. شاید نکته مهم آن هم این باشد که ورود در این‌گونه از امور قابل داوری و سنجش انسانی‌اند، بنابراین نمی‌توان آنها را حواله به امور رازآمیز و رمزآلوده کرد.

(ب) به‌روزرسانی و بازخوانی داشته‌ها و اندیشه‌ها؛ دیگر پیامد مهم، ضرورت به‌روزرسانی است که این به‌روزرسانی خود می‌تواند دریچه‌ای به این‌جهانی‌شدن اندیشه‌ها نیز باشد. نهاد روحانیت اگر پذیرفته است که در سپهر سیاست می‌خواهد نقش‌پذیر باشد لازم باید هرازچندی به بازخوانی داشته‌های خویش بپردازد و خود را به‌روزرسانی کند. حداقل به‌روزرسانی در ادبیات گفت‌وگویی و حداکثر آن در به‌روزرسانی گفتمانی است که انتظار می‌رود این‌ نهاد دیرپا برای رهایی از ایجاد سو‌تفاهم در جامعه نسبت به این نهاد، به آن توجه کند.

اعتدال روحانی علیه افراط‌گرایی دینی

تجربه موفقیت دولت یازدهم در توافق هسته‌ای و همراهی وزیر کاربلدی همچون محمدجواد طریف می‌تواند قدرت‌های خاورمیانه را برای رسیدن به این هدف مقدس همراه کند. توانایی در گفت‌وگو و شناختن زبان بین‌الملل از نقطه قوت‌های تیم سیاست خارجی دولت یازدهم بود. این تیم می‌تواند با کشورهای منطقه نیز گفت‌وگو کند و آنها را برای حمایت نکردن از گروه‌های تکفیری متقاعد کند. علاوه بر این تسلط روحانی بر معارف شیعه، همراهی مراجع عظام شیعه با ایشان و حمایت علّامان اهل‌سنت ایران از گفتمان اعتدال در ایران نیز می‌تواند هم در باطل و درکردن قرائت افراطی از اسلام موفق باشد و هم می‌تواند بزرگان هر دو مذهب اسلامی را کنار هم بنشاند.

شکوفه حبیب‌زاده: بازی دو سر سود. این معیار دیدار و مذاکرات پیرو آن، بین دونالد ترامپ و ملک‌سلمان، پادشاه عربستان سعودی است. از آغاز سفر رسمی هیئت بلندپایه آمریکایی به عربستان، بحث‌های زیادی درباره سرمایه‌گذاری دوسویه این دو کشور و فروش تسلیحات نظامی آمریکا به عربستان مطرح شده بود. طبق اخبار منتشرشده به نقل از شبکه اسکای‌نیوز عربی، عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان در کنفرانس مطبوعاتی خود، با رکس تیلرسون، همتای آمریکایی خود، گفت: سفر رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان آغاز ساخت آینده‌ای جدید در روابط استراتژیک دوجانبه و تقویت همکاری‌ها میان دو کشور و جهان عرب و اسلام است. الجبیر همچنین به توافق‌های امضاشده میان سلمان‌بن‌عبدالعزیز، پادشاه عربستان و ترامپ اشاره کرده و گفت این توافق‌ها به شراکت استراتژیک قوی‌تر میان دو کشور می‌انجامد.

بنا بر اخبار منتشرشده، عربستان و آمریکا مجموعه توافق‌هایی را در زمینه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، بخش تکنولوژی، بخش‌های دفاعی و تولیدات ویژه امضا کردند که براساس آن، عربستان و آمریکا در اقتصادهای یکدیگر سرمایه‌گذاری انجام می‌دهند. تنها در بخش دفاع و خریدهای فوری سعودی‌ها از آمریکا، توافق شد ریاض ۱۱۰ میلیارد دلار سلاح از آمریکا بخرد و در ۱۰ سال تا ۳۵۰ میلیارد دلار دیگر در این زمینه هزینه شود. در مقابل دولت ترامپ هم وعده داده تا خط مونتاژ برخی تولیدات دفاعی خود را به عربستان منتقل کند که

رونق اقتصاد آمریکا با مکیدن سرمایه‌های عربستان

چه در خلیج فارس صورت بگیرد، هزینه جذب

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را افزایش می‌دهد. این مسئله، هدف دوم عربستان و آمریکا در منطقه است. هدف سوم، درباره صنعت نفت خواهد بود. اگر تولید نفت در آمریکا به بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند به آن سمت میل کند؛ چون کمپانی‌های نفتی متحد دولت ترامپ هستند، طبیعتاً به بازار نفت فشار وارد می‌کند و با توجه به مضایقی که در بازار نفت وجود دارد و خریداران کمتری در جهان وجود دارند، افزایش تولید به تولیدکنندگان فشار می‌آورد و یکی از این تولیدکننده‌ها می‌تواند این باشد؛ اما این مسئله شاید برای عربستان که وارد بازار داخلی در صنایع پایین‌دستی نفتی آمریکا می‌شود، چندان مهم نباشد. عربستان قصد دارد با افزایش وزنی اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود و تلاش برای جذب متحد یا مؤلفد در جهان اسلام و منطقه، بتواند امنیت خود را در این پوشش حفظ کند و در کنار آن جاه‌طلبی‌های خود در زمینه رهبری جهان عرب و

جهان اسلام را تحقق ببخشد. البته باید در نظر داشت که آمریکا از ضعف‌های کنونی عربستان در منطقه به نفع خود بهره می‌برد و با مکیدن سرمایه‌های عربستان ممکن است این کشور را در آینده با بحران‌های بیشتری در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مواجه کند. اگر به بودجه آمریکا توجه کنیم، بودجه دفاعی آمریکا حدود ۶۰۰ میلیارد دلار در سال است. این نشان می‌دهد بخش بزرگی از اقتصاد آمریکا وابسته به صنایع نظامی و دفاعی است، طبیعتاً تزریق سرمایه با ایجاد بازار برای صنایع نظامی، سبب شود بخش‌هایی که پس از جهانی‌شدن و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به بحران روبه‌رو شد و توجیه مشخصی برای گسترش آن وجود نداشت، به این طریق حفظ شود و کمپانی‌های زیرمجموعه نیروهای نظامی را حفظ کنند. این امر هم ایجاد اشتغال برای آمریکا خواهد داشت و هم نیروهای نظامی در این کشور را راضی نگه خواهد داشت. از سویی علاقه ترامپ و خانواده‌اش و کمپانی‌های نزدیک به او، به صنعت ساختمان و بخش عمرانی است. آمریکا از این جنبه در دو دهه اخیر خیلی گسترش نیافته است؛ بنابراین ایجاد اشتغال در این بخش هم دور از انتظار نیست، بنابراین این امر به طبقه متوسط سفیدپوست در آمریکا هم بسیار کمک خواهد کرد.

اقتصاد

رئیس‌جمهور آمریکا دینش را به شرکت‌های حامی خود ادا کرد

سور انتخاباتی ترامپ در عربستان



از جمله آن قرارداد غول‌های تسلیحاتی آمریکا، یعنی لاکهید مارتین، جنرال داینامیک، رایتون و جنرال‌الکترونیک با سعودی‌هاست.

آمریکا طبق این توافق باید خط مونتاژ بالگردهای نظامی بلک هاوک را به عربستان منتقل کند. تحقیقات، برنامه‌ریزی و ساخت ۵۰ درصد از نیازهای ارتش عربستان به انواع خودروهای زرهی، شامل تانک و خودروهای سبک و سنگین نیز به آمریکایی‌ها واگذار شد که خط تولید این محصولات، باید در داخل عربستان ایجاد شود. عادل‌الجبیر ارزش توافق‌های امضاشده میان دو کشور را حدود ۵۰۰ میلیارد دلار ارزیابی کرده است.

سعودی‌ها علاوه بر خرید مستقیم تسلیحات از آمریکا قرار است دست‌کم ۴۵ میلیارد دلار نیز در بازارهای ایالات متحده سرمایه‌گذاری

کنند. خرید و ارتقای سیستم‌های دفاع موشکی تاد و پاتریوت، یکی دیگر از توافق‌های دو کشور است که سعودی‌ها مقابله با توان موشکی ایران را به شکل مشخص در این قرارداد مورد توجه قرار داده‌اند. این تمام ماجرا نیست. همچنین قرار است آمریکا در صنعت نفت عربستان، ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کند. این در کنار ۲۰۰ میلیارد دلاری است که بناس‌ت در روابط تجاری دو کشور در نظر گرفته شود.

این در حالی است که گفته می‌شود، میزان سرمایه‌گذاری بلندمدت مشترک این دو کشور به هزار میلیارد دلار هم خواهد رسید که جزئیات آن هنوز منتشر نشده است. کارشناسان معتقدند، توافق تاریخی بین این دو کشور نخست با هدف خرید امنیت عربستان در منطقه و سپس با درنظرگرفتن سود حاصل از آن برای سه حامی اصلی ترامپ در انتخابات آمریکا (کمپانی‌های نظامی، نفتی و ساختمانی و عمران) صورت گرفته است. برخی کارشناسان حتی به سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان برای دستیابی به رتبه نخست منطقه هم اشاره می‌کنند و معتقدند عربستان قصد دارد، وابستگی خود به اقتصاد نفتی را با سرمایه‌گذاری خارجی و تلاش در دیگر حوزه‌ها جایگزین کند. درهرحال این اقدام دوجانبه می‌تواند هزینه نظامی ایران را افزایش داده و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

علاوه بر آنکه تحمیل هزینه‌های نظامی به بودجه کل کشور که همواره میزان ثابتی است، می‌تواند در تحقق وعده‌های دولت در آینده تأثیرگذار باشد.

عربستان، خیره به سند چشم‌انداز ۲۰۳۰

به عربستان می‌دهند، برای تقویت قدرت نظامی عربستان هم تسلیحات خود را به این کشور فروشنند. عربستان براساس سند چشم‌انداز خود هدف‌گیری کرده تا به رتبه نخست در منطقه دست پیدا کند و از اقتصاد نفتی عبور کند؛ زیرا آنها هم به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر در آینده نمی‌توانند با نفت کشور را اداره کنند. برداشت من این است که در آینده، بحث جذب شرکت‌های فراملیتی و سرمایه‌های خارجی در کشور عربستان بیشتر نمایان خواهد شد. در نتیجه یکی از محورهای مهم مذاکرات پادشاه عربستان و ترامپ هم در همین راستا بوده است. طبیعتاً در این سفر برای جذب سرمایه‌های خارجی آمریکایی‌ها تلاش شده، هرچند در کنار آن عربستان در حوزه قدرت‌های نظامی هم دنبال آن است که خود را تقویت کند؛ زیرا ایران هراسی یکی از محورهای اهداف عربستان برای آینده است و برای این منظور هم نیاز دارد که

قدرت نظامی خود را در منطقه تقویت کند. در مقابل، ترامپ در تبلیغات انتخاباتی خود تأکید کرده بود که اگر روی کار بیاید، برای تأمین امنیت خاورمیانه و کشورهای مختلف، حضور نظامی خود را کم‌رنگ‌تر خواهد کرد و این کشورها باید هزینه ایجاد امنیت را به آمریکا بپردازند. شعار ترامپ این بود که نمی‌خواهد از جیب آمریکا با ایجاد بدهی برای اقتصاد این کشور، امنیت کشورهای مختلف را تأمین کند. این مسئله معطوف به عربستان نیست و برای ژاپن و… هم این پیام از سوی او بیان شده بود. در نتیجه عربستان هم باید هزینه تسلیحاتی که برای ایران هراسی در منطقه نیازمند آن است را به آمریکا بپردازد؛ بخشی از این‌ هزینه‌ها هم هزینه‌های تسلیحات خواهد بود. اما درعین‌حال همان‌طور که اشاره کردم، عربستان در کنار پرداخت هزینه‌های نظامی به آمریکا، سند چشم‌انداز سال خود برای بخش غیردولتی و غیرنفتی این کشور را هم دنبال می‌کند. ترامپ هم در مقابل برایاساس شعار و وعده انتخاباتی خود، بالغ بر صد میلیارد دلار، تسلیحات نظامی به عربستان می‌فروشد که این مهم برای اقتصاد رکودی و بحران‌زده آمریکا بسیار دارای اهمیت است.

وی با بیان اینکه با شرایط فراهم شده در پس‌ابرجام می‌توان کارهای بزرگی را در بخش ساحل و فراساحل انجام داد، گفت: امروز شرکت‌های ایرانی در ساخت سکوهای نفتی، توانمند و خودکفا شده‌اند. دوستان ما در وزارت نفت محافظه‌کاری را کنار گذاشته و قراردادهای جدید نفتی را امضا خواهند کرد. رئیس هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) با بیان اینکه برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) برای کشور یک فرصت است، گفت: همیشه فرصت ناشی از برجام برقرار نخواهد بود.

وی به سفر اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا به عربستان اشاره و بیان کرد: مشخص نیست فرصت‌هایی که در برجام داشتیم را اکنون هم بتوانیم استفاده کنیم. معظمی‌افزود: گلايه‌مندیم که دو سال فرصت از دست رفت که بخشی از آن به داخل بازنمی‌گردد و بخشی نیز ناشی از رفتارهای غیرمعقول برخی کشورها بوده است. وی با بیان اینکه صنعت فراساحل در ایران متولی مشخصی ندارد، گفت: براساس مطالعه‌ای که انجام شده است ۳۰ میلیارد دلار در بخش فراساحل باید سرمایه‌گذاری شود. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت به امضای شش قرارداد بین‌المللی صنعت خودرو اشاره و بیان کرد: برای اینکه دوستان دلوایس را دلوایس‌تر نکنیم قرار شده است ۳۰ درصد تولیدات را شرکت‌های طرف قرارداد صادر کنند.

سهم ۶۵ درصدی بهره‌وری از رشد اقتصادی پس از تحریم‌ها

● **ایرنا**، رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران گفت: پس از تحریم‌ها در سال ۹۳ سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی ۶۵ درصد بود که این افزایش به‌دلیل رهایی از تحریم‌ها طبیعی است.

«رؤیا طباطبایی‌یزدی» در نشست خبری به مناسبت روز ملی بهره‌وری افزود: شاخص بهره‌وری هر ۱۰، ۱۵ سال محاسبه می‌شود. وی گفت: از میانگین رشد اقتصادی در سه سال از ۹۳ تا ۹۵ که ۴.۲۸ درصد بود، سهم بهره‌وری آن ۲.۶۴ درصد محاسبه شده است. رئیس سازمان ملی بهره‌وری ایران گفت: در سال ۹۳ معادل ۱.۹۵ درصد از سه درصد رشد اقتصادی حاصل بهره‌وری کل عوامل تولید بود.وی توضیح داد: شاخص‌های بهره‌وری در سال‌های ۹۱، ۹۲ و ۹۴ منفی و فقط سال‌های ۹۳ و ۹۵ مثبت شد.

او رشد اقتصادی در سال ۹۳ را منهای هشت درصد، سال ۹۲ برابر با صفر، سال ۹۳ برابر با سه درصد، سال ۹۴ برابر با منهای ۱.۶ درصد و در سال ۹۵ برابر با ۱۱.۶ درصد عنوان کرد. طباطبایی‌یزدی گفت: درست است که در سال ۹۳ معادل ۶۵ درصد از رشد اقتصادی حاصل از بهره‌وری بود؛ اما نباید فکر کنیم این روند همیشگی است. پس از تحریم یا جنگ همواره سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. وی تأکید کرد: باید برای ارتقای بهره‌وری در کشور در همه بخش‌های مختلف اقتصادی، استان‌های کشور و حتی در سطح فردی به یاری یکدیگر بنشاییم.

وی گفت: تغییرات شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در سال ۱۳۹۲ معادل منهای ۲.۷۹ درصد، سال ۱۳۹۳ معادل ۱.۹۵ درصد و سال ۱۳۹۴ منهای ۳.۵۲ درصد بود. شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در سال ۹۵ به ۹.۹۵ درصد رسید. به گفته طباطبایی‌یزدی، بهره‌وری کل عوامل تولید عبارت است از نسبت تولید ناخالص داخلی به میانگین موزون نیروی کار و موجودی سرمایه ثابت (وزن هریک از عوامل تولید براساس ارزش آنها تعیین می‌شود).

این مقام مسئول اظهار کرد: شاخص‌های بهره‌وری براساس ارزش افزوده تعداد جمعیت و موجودی سرمایه (۱۰۰ = ۱۳۹۰) است.

بهره‌وری نیروی کار از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به‌ترتیب ۹۲، ۸۸، ۹۱، ۸۷ و ۹۵ است.

وی توضیح داد: موقعیت بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ معادل منهای ۲.۱ درصد بود.

طباطبایی‌یزدی همچنین افزود: در سال‌های یادشده میانگین رشد اقتصادی ۴.۳ درصد بود که یک درصد آن از طریق بهره‌وری حاصل شد که ۰.۳ درصد بهره‌وری از نیروی کار و ۲.۹ درصد از طریق سرمایه حاصل شده بود.

نیاز کشور به ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش فراساحل
● **ایرنا**، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه بخش فراساحل به ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد،گفت: انتخابات ریاست‌جمهوری، پیروزی یک گفتمان بر گفتمان دیگر بود. منصور معظمی، در همایش بین‌المللی صنعت فراساحل در دانشگاه صنعتی شریف افزود: در چهار سال آینده با توجه به رای چشمگیر مردم، دولت منتخب توان بیشتری خواهد داشت.

وی با بیان اینکه با شرایط فراهم شده در پس‌ابرجام می‌توان کارهای بزرگی را در بخش ساحل و فراساحل انجام داد، گفت: امروز شرکت‌های ایرانی در ساخت سکوهای نفتی، توانمند و خودکفا شده‌اند. دوستان ما در وزارت نفت محافظه‌کاری را کنار گذاشته و قراردادهای جدید نفتی را امضا خواهند کرد. رئیس هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) با بیان اینکه برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) برای کشور یک فرصت است، گفت: همیشه فرصت ناشی از برجام برقرار نخواهد بود.

وی به سفر اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا به عربستان اشاره و بیان کرد: مشخص نیست فرصت‌هایی که در برجام داشتیم را اکنون هم بتوانیم استفاده کنیم.